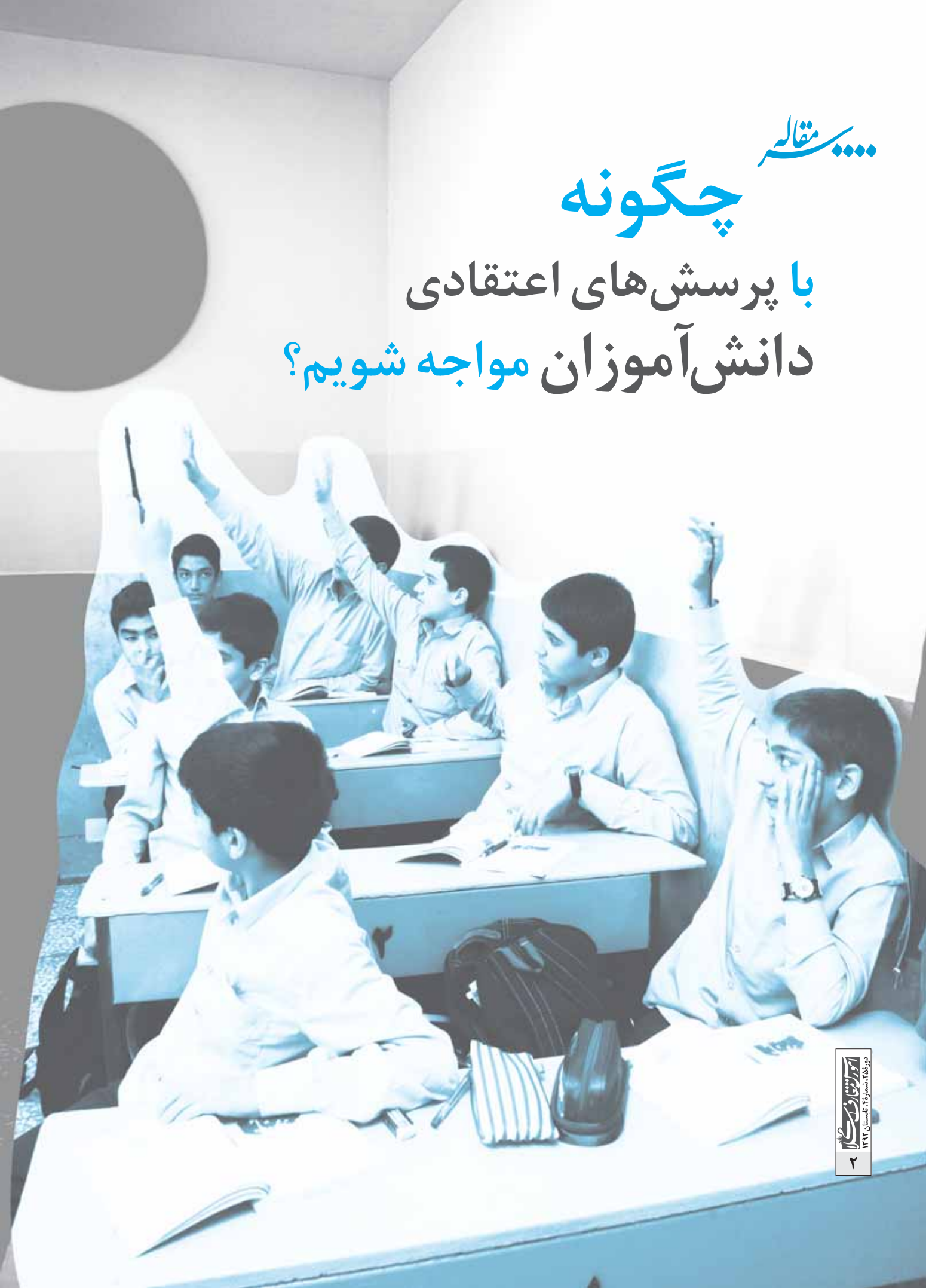


...مقاله

چگونه

با پرسش‌های اعتقادی
دانش‌آموزان مواجه شویم؟



امام حسین(ع) فرمود: «برتری کسی که یتیم آل محمد(ص) را که از سرپرستان خود جدا شده و در جهل فرو رفته است سرپرستی کند، او را از جهل بیرون آورد و امور مشتبه را برایش روشن سازد، بر کسی که یتیمی را سرپرستی کند و به او آب و غذا دهد، مانند برتری خورشید بر ستارهٔ سهی^۱ است.»^۲ در میان سؤال‌های دانش‌آموزان، سؤال‌های اعتقادی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ زیرا موضوع‌های اعتقادی، مبنا و پایه و اساس سایر موضوعات هستند و بنیان‌های یک نظام فکری را می‌سازند. اگر این بنیان‌ها به‌خوبی و مستحکم بنا شوند، سایر اجزای نظام فکری و ساختمان اندیشه نیز مستحکم چیده خواهند شد و بنایی رفیع و استوار پدید خواهد آمد. دانش‌آموزان و نوجوانانی که ما معلمان با آنان سروکار داریم، در حال ساختن بنای اندیشهٔ خود هستند؛ بنایی که می‌تواند تا آخر عمر مسیر رستگاری و فلاح را برای آنان هموار کند یا آنان را به‌سوی پرتگاه هلاکت و بی‌ایمانی سوق دهد. از این رو چگونگی مواجههٔ ما با پرسش‌های آنان حائز اهمیت است و هر یک از ما باید با مطالعه و اندیشهٔ قبلی و طرح و برنامهٔ ویژه‌ای که با علم و تجربه به‌دست آورده‌ایم، با سؤال‌ها روبه‌رو شویم و بدانیم که به هر نوع سؤالی چه پاسخی بدهیم.

در شرایط کنونی که رسانه‌های مختلف بیگانه و معاند با اسلام به ترویج شبهات می‌پردازند، اهمیت آمادگی برای انجام این وظیفهٔ مهم و کسب مهارت‌های لازم برای پاسخ‌گویی به دانش‌آموزان دوچندان می‌شود.

پاسخ به هر سؤالی دارای دو بخش است: بخش محتوایی و علمی و بخش شیوه‌ای و روشی. بنابراین برای هر کسی که از او سؤالی شده و وی در صدد پاسخ‌گویی است، چهار حالت را می‌توان تصور کرد:

- ۱: از نظر محتوایی و علمی توانایی پاسخ‌گویی را دارد اما در شیوهٔ انتقال ناتوان است.
- ۲: از نظر محتوایی و علمی ضعیف است اما در شیوهٔ انتقال تواناست.

۳: هم از نظر محتوایی و علمی و هم در شیوهٔ انتقال ناتوان است.

۴: هم از نظر محتوایی و علمی و هم در شیوهٔ انتقال تواناست.

اگر معلم محتوای پاسخ را بداند اما در شیوهٔ انتقال ضعیف باشد و نداند که چگونه با مخاطب سخن گوید، نمی‌تواند مخاطب را قانع کند و به میزانی که علم دارد در او نفوذ نماید. معلمی که مهارت لازم برای انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط با مخاطب را دارد اما از نظر علمی و محتوایی ضعیف است، احتمال دارد با پاسخ غلط مخاطب را قانع کند اما او را به اشتباه اندازد و گمراه نماید.

وضع در حالت سوم روشن است و نیازی به توضیح ندارد. امیدواریم که در میان معلمان هم مصداقی نداشته باشد.

حالت چهارم می‌ماند و این، تنها حالت قابل قبول برای یک معلم دینی است که با خدای خود عهد کرده متکفل هدایت و راهنمایی پیروان پیامبر اکرم(ص) و ائمهٔ اطهار(ع) شود. آنان که در دورهٔ دوری از امام خود، حال یتیمی را دارند که از سرپرست و ولی خود جدا شده‌اند و در سرگردانی به سر می‌برند. معلمی که کفالت جمع قابل توجهی از یتیمان آل محمد(ص) را برعهده گرفته است، اگر نتواند حق کفالت را ادا کند و آن یتیمان را

به سرمنزل مقصود برساند، در امانتی که آن بزرگواران به وی سپرده‌اند، خیانت کرده است. اما اگر به حول و قوهٔ الهی از عهدهٔ ادای امانت برآمد و امانت را صالح و سالم به مقصد رساند، الطاف آن بزرگواران شامل حالش خواهد شد و همان‌طور که سالار شهیدان فرموده است، مانند خورشید، در آسمان معنویت خواهد درخشید. از خدای متعال می‌خواهیم که همهٔ ما از عهدهٔ ادای تکلیف برآییم و مشمول دعا‌های پاک و خالص سیدالشهدا(علیه‌السلام) و امام عصر(عج) باشیم.

پی‌نوشت

۱. ستاره کوچکی از ستارگان دب اکبر
۲. الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۱

